

جوانوں صداؤں

شیرن او کیسی

Sean O'Casey

ترجمہ

اعظم رضایی

و

سید محمد انوشہ





انتشارات لمپا

ویراسته: شون اوکیسی Sean O'Casey
مترجم: اعظم رضایی و سید محمد انوشه
طرح جلد و گرافیک: محمود حسینی

چاپ اول: ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۷۵۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴۸۹۰۰۰-۹۷۸۰۰۰۰۰۰۰۰

چاپ، لیتوگرافی و جلد: چاپ پارس

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

سرشناسه: اوکیسی، شون، ۱۸۸۰ - ۱۹۶۶ م. O'Casey

عنوان و نام پدیدآور: جونو و طلاوس / شان اوکیسی: ترجمه اعظم رضایی، سید محمد انوشه.

شخصات نشر: تهران: لمپا، ۱۳۹۲.

شخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.

کتاب: ۹۶۴۸۹۰۰۰-۹۷۸۰۰۰۰۰۰۰۰

بیت فهرست نویسی: فیپا

ع: نمایشنامه انگلیسی - نویسندگان ایرلندی - قرن ۲۰ م.

افزوده: رضایی، اعظم، ۱۳۶۰ - مترجم

افزوده: انوشه، محمد، ۱۳۳۶ - مترجم

ی کنگره: PR

دیویی: ۸۲۲/۹۱۲

ایشناسی ملی: ۲۷۹۸۷۴۸

تهران: خیابان دقیقی شمالی،
شوییدی، پلاک ۱۲۳، طبقه اول
۶۶۹۱۳۲۵۴، همراه: ۰۵۵۲۵۰۳۲۷

دیباچه

همان‌طور که تاریخ غرب نشان می‌دهد فضای جنگ و هرج و مرج ناشی از آن در قرون مختلف معمولاً منجر به تضعیف اعتقادات دینی و کم‌رنگ شدن ارزش‌های انسانی در بین غربیان شده است. نمون‌اعلای آن را در قرن بیستم میلادی و بعد از دو جنگ جهانی شاهد بوده‌ایم. حرکت مدرنیسم که از قبل از جنگ جهانی اول شروع شده بود، پس از جنگ با شدت و سرعت بیشتری به مقابله کردن با مذهب و به طور کلی پایه‌های تمدن غرب پرداخت. البته انسان مدرن در سوگ از کفر رفتن آن اعتقادات و عدم توانایی‌اش در پذیرفتن آنها تأسف خورد؛ چرا که او پیوند خود را با عالم متافیزیک از دست داده بود و به نوعی پوچی و بی‌پناهی رسیده بود، از اینرو در پس ساختن خرد-روایت‌ها برآمد تا جای خالی بزرگ-روایت‌ها را تا حدی پر کند. اما متأسفانه پس از جنگ جهانی دوم، وضعیت نابسامان مدرن جای خود را به وضعیت نابسامان‌تر و غیرقابل جبران پسامدرن داد، تا انسان غربی در اوج سرخوشی و غفلت با آغوش باز از مکتب نسبی‌گرایی استقبال کند و همه چیز را در مادیات و لذات جسمانی خلاصه کند.

به نظر نگارندگان، آنچه این نمایشنامه را بسیار با ارزش و جذاب می‌کند، قدرت و هنرمندی شون اوکیسی در خلق شخصیت‌های زنده و موضع‌گیری‌های مختلف آنها نسبت به بزرگ-روایت‌ها در دوران پراشوب و نابسامان جنگ داخلی ایرلند است. در این نمایشنامه کلاشش شخصیت اصلی وجود دارند. از این میان اعضای خانواد "بویل" شامل جک بویل، جونو بویل، مری بویل و جان بویل هست نمایشنامه را شکل می‌دهند و دو شخصیت مهم دیگر جری دیواین و چارلز بنثم به دلیل ارتباط با اعضای این خانواده، موجودیت می‌یابند. می‌توان گفت که این شش شخصیت هر کدام نمایند نوعی جهان‌بینی و طرز تفکر هستند و رفتار و طرز برخوردشان با مسائل از همین طرز تفکر آب می‌خورد.

جک بویل و رفیقش جکسر - که هر دو را می‌توان به عنوان یک شخصیت در نظر گرفت - نمایند مردان لایبالی و بی‌سوادی هستند که از مذهب بجز فراگرفتن چند اسم و آیین بویی نبرده‌اند و به راحتی اخلاقیات را زیر پا می‌گذارند و افراد مذهبی را تمسخر می‌کنند. جری دیواین، فعال اجتماعی که سعی در بهبودی اوضاع کارگران دارد، همه چیز را در دست بشر می‌داند و اعتقادی به اراد خداوندی ندارد. او که مری بویل را با تمام وجود دوست دارد و آرزو دارد با او ازدواج کند، پس از آنکه از زبان مری افسرده و بیمار باخبر می‌شود که از نامزد فرای‌اش "بنثم" حامله شده است، او را بی‌درنگ به حال خود رها می‌کند و فقط برایش ابراز تأسف می‌کند. از او بدتر، بنثم، جوانک خوش‌قیافه و روشنفکرمآبی که به عقاید جزمی و مذهب به شکل سنتی و کتابی ایمان ندارد و در جمع خانواد بویل از "پرونا" و "یوگی" حرف می‌زند و ادعای فضل و دانش می‌کند، عامل اصلی فروپاشی خانواد بویل است. از یکسو، همانطور که قبلاً ذکر شد، به "مری" تجاوز می‌کند و از سوی دیگر با تنظیم اشتباه وصیت‌نامه‌ای که می‌توانست زندگی خانواد بویل را از اینرو به آنرو کند، آنها را محروم از میراث می‌کند و سپس از ترس پیامدهای این اشتباه و گناه بزرگی که در حق دختر آنها کرده است، به انگلستان می‌گریزد.

مری دختری بیست و دو ساله، زیباروی و خوش اندام، ناراحت از اینکه در خانواده‌ای از طبق پایین جامعه به دنیا آمده است و متأثر از کتاب‌های نویسندگان بزرگی چون ایسن سعی دارد با رسیدن به سر و وضعش و با ازدواج با بنثم که رفتار و ظاهرش چنین می‌نماید که متعلق به طبق بالاتری است، خود را از این وضع نجات دهد. مری نسبت به مسائل اعتقادی بی تفاوت است. در واقع از لحاظ فکری-شخصیتی آنچنان پیچیده و چندبعدی نیست که برای خود ایدئولوژی خاصی تعریف کند و پیرو آن باشد. به عنوان دختری در سن ازدواج که به دنبال رهایی از وضع فعلی است، بیشتر در بند ظاهر است تا عقیده و باطن.

نقطه مقابل او برادرش جانی، یک فعال سیاسی به تمام معنا که با دل و جان برای استقلال ایرلند جنگیده و بازویش را در این راه از دست داده، پسری معتقد و با ایمان است. اما فشارهای ناشی از تحمل شرایط خطرناک و عذاب وجدانی که او به دلیل لو دادن مخفیگاه هم‌رزم قدیمی‌اش - که در زمان جنگ داخلی در حزب مخالف به عنوان دشمن او می‌جنگد - حس می‌کند، باعث شده است از لحاظ روانی به هم پیاشد و نه تنها کمکی برای خانواده نباشد که باری بر دوش مادرش. با اینحال حس وظیفه شناسی او برای کشورش ایرلند در نقطه مقابل پدرش که نه تنها هیچگونه عرق ملی از خود نشان نمی‌دهد بلکه حتی وظیف خود را به عنوان پدر در قبال خانواده‌اش به انجام نمی‌رساند و در واقع مسبب اصلی بلاها و بدبختی‌های خانواده‌اش است، قابل ستایش است. روحی اخلاقی و عدالت‌خواهی جانی در ابتدای نمایش در عذاب وجدانش برای دوست مقتولش و در اواخر نمایش در موضع‌گیری‌اش نسبت به پدر لالابالی و خواهر گناهکارش بهتر حس می‌شود. جانی قربانی بازی‌های حزبی و اوضاع نابسامان سیاسی جامعه‌اش است، و گر نه می‌توانست نقش نان‌آور و حامی را برای مادر و خواهرش ایفا کند.

و اما جونو بویل زن میان‌سال و بلاکشی که با کارکردن از پس جبران

بی مسئولیت‌گری‌های شوهرش برآمده و با تمام وجود سعی بر حفظ کاتون گرم خانواده‌اش داشته است، معتقدترین و واقع‌بین‌ترین شخصیت نمایش است. او حتی پس از آنکه تنها پسرش به دست هم‌وطنانش کشته می‌شود و دخترش در ماجرای عشق‌اش با بنثم حامله و بعد به حال خود رها می‌شود، باز هم به مدد نیروی ایمان کمر زیر بار این غم‌های بزرگ خم نمی‌کند، تصمیم می‌گیرد شوهر لایالی و بی‌وجدانش را ترک گوید و با کار کردن زیر بال و پر دختر و نو در راهش را بگیرد. شاهی بر اعتقاد راسخ و خدشه‌ناپذیر جونو، مک‌ماه‌ای است که با دخترش پس از شنیدن خبر کشته شدن پسرش دارد. او در جواب به دختر خامشی که تابع تحمل سختی‌ها را ندارد و ابراز می‌کند: "... خدایی در کار نیست، خدایی وجود ندارد؛ اگر خدا وجود داشت نمی‌داشت این اتفاقا بیفته." چنین پاسخ می‌دهد:

"مری! تو نباید اینطوری حرف بزنی، تو این وضعیت بیشتر از هر موقع دیگه‌ای به کمک خدا و مریم مقدس محتاجیم. این اتفاقا ربطی به اراد خدا ندارد. خدا در برابر حماقت بشر چکار می‌تونه بکنه؟"

او کیسی در این نمایشنامه دو رسالت بزرگ را به عنوان یک نویسنده متعهد به انجام رسانیده است: از یکسو با نشان دادن پیامدهای ویرانگر جنگ و نقش آن در فروپاشی خانواده‌ها، مخصوصاً خانواده‌هایی از قشر ضعیف جامعه نظیر خانواده بویل و خانم تنکرد، دست به اصلاح اجتماعی می‌زند و مردم کشورش را به صلح، دوستی و اتحاد فرا می‌خواند. از سوی دیگر با خلق شخصیت‌های چندبعدی و واقع‌نما با طرز تفکرها و جهان‌بینی‌های گوناگون و نشان دادن نحو برخورد آنها با مسائل در شرایط بحرانی، بزرگی و استقامت انسان‌های معتقد و مقید به اصول اخلاقی هر چند کم‌سواد و ناشناس، نظیر جونو بویل، را به خواننده ثابت می‌کند.

اعظم رضایی

۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۱